

سکولاریسم از منظر اندیشمندان ترک، آمریکایی و فرانسوی: با تأکید بر حزب عدالت و توسعه ترکیه

مهدی لکزی^۱

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران

مسعود غفاری

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

(تاریخ دریافت ۹۶/۸/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۱/۲)

چکیده

ترکیه از آغاز تأسیس توسط مصطفی کمال آتاترک، یکی از پایه ها و اصول اساسی نظام حکومتی خود را بر مبنای سکولاریسم قرار داده است. یکی از عوامل کلیدی سکولاریسم در ترکیه مدرن با میراث عثمانی، نظارت «نهادینه حکومت بر دین» است. با تأسیس جمهوری در سال ۱۹۲۳ دولت منافع خود را در چهارچوب سکولاریزاسیون و بنای ملتی برخاسته از گروه های متنوع قومی و دینی تعریف کرد. پیروزی حزب عدالت و توسعه ترکیه در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ به عنوان حزبی با ریشه های اسلامی، پرسشهای مهمی را درباره آینده سکولاریسم و نیز اسلام گرایی در این کشور به میان آورد. ویژگی های اصلی سکولاریسم ترکیه با گونه فرانسوی یا آمریکایی آن متفاوت است و قرائتی که از این مفهوم در ترکیه می شود، متفاوت از جداسازی دین و حکومت، مهار دین و حذف آن از سپهر عمومی را دنبال می کند. در این مقاله، تلاش خواهیم کرد با بهره گیری از رویکرد جریان شناسی فکری به این پرسش پاسخ دهیم که سمت گیری عدالت و توسعه به عنوان یک حزب با ریشه های اسلامی در مواجهه با سکولاریسم چگونه بوده است؟ یافته های مقاله حاکی از آن است که حزب عدالت و توسعه با پذیرش سکولاریسم به عنوان یک روش حکومت داری، ضمن کاستن از حساسیت نیروهای طرفدار ایدئولوژی کمالیسم (و به طور خاص حامیان قرائت حداکثری از سکولاریسم) در پی جدایی دین از ساختار حکومتی است تا بدین وسیله آزادیهای دینی را تضمین کنند.

واژه های کلیدی: آزادی های دینی، سکولاریسم، همزیستی و مدارا، حزب عدالت و توسعه، ترکیه.

Email: Mehdi_lakzi@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول:

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۷، صص. ۱۲۹ - ۱۴۴.

مقدمه

احزاب اسلام‌گرا در ترکیه رویکرد متفاوتی نسبت به احزاب سلف خود داشته‌اند. پس از هر بار کودتا یا انحلال توسط دادگاه قانون اساسی، آنها عملگرایانه‌تر از خشونت دوری کرده و سعی کردند با رویکردی نوین در صحنه سیاسی ترکیه ظاهر شوند. در سال ۲۰۰۲، حزب عدالت و توسعه توانست با پیروزی در انتخابات، پارلمان ترکیه را در دست بگیرد. این حزب در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ نیز توانست پیروزی خود را تداوم ببخشد و قدرت را در ترکیه از آن خود بگرداند. این حزب پس از تغییر ساختار قانون اساسی و افزایش قدرت رییس جمهور توانست رجب طیب اردوغان، رهبر خود را به مقام ریاست جمهوری برساند. حزب عدالت و توسعه که از جانب مخالفان سیاسی خود به اسلام‌گرایی متهم می‌شود همواره این ادعا را رد کرده و خود را مدافع سکولاریسم حداقلی می‌خواند. بررسی ادبیات موجود درباره ترکیه نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر موضوعاتی همچون امنیت، دموکراسی و فرایند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا تأکید می‌کنند و به‌نظر می‌رسد راجع به رویکردهای اسلام‌گرایان در قبال مفاهیم و هویتشان، به‌خصوص در ارتباط با مواجهه با سکولاریسم غفلت کرده‌اند. در این مقاله استدلال می‌کنیم که حزب عدالت و توسعه از نوعی سکولاریسم دفاع می‌کند که با آنچه کمالیسم ایجاد کرده، متفاوت است و همین تفسیر از سکولاریسم منجر به همزیستی مسالمت‌آمیز با حامیان سکولاریسم در ترکیه شده است.

مبانی نظری

سکولاریسم در معنای اصلی و اولیه اش، بر مجموعه‌ای از انگاره‌ها و ارزشهایی دلالت دارد که هدف آن تضمین این مساله است که دولت نباید درگیر ترویج و گسترش باورها و ارزشهای مذهبی خاص شود و نه از قدرت و مقام خود در جهت ایجاد مزاحمت و مداخله در امور مذهبی استفاده کند. در الگوی تفکیک‌سازی حوزه عمومی از حوزه خصوصی «مذهب همچون مقوله‌ای فردی و خصوصی تلقی می‌شود که حداکثر حوزه انتخاب و عمل فردی را در برمی‌گیرد» (Soper, 1997: 10). در این پژوهش با استفاده از نظر احمد

کورو نظریه پرداز ترک دو معنی از سکولاریسم - سکولاریسم حداقلی و سکولاریسم حداکثری- را به بحث می گذاریم. این استدلال به فهم بهتر ما در مورد علت همزیستی حزب عدالت و توسعه با حامیان سکولاریسم در ترکیه کمک خواهد کرد. سکولاریسم حداقلی به این معنی است که حکومت در امور ادیان مختلف دخالت نمی کند و اجازه حضور آنها را در عرصه عمومی می دهد. از سوی دیگر، سکولاریسم حداکثری به این معنی اشاره دارد که حکومت به جهان بینی سکولار در قلمرو عمومی توجه دارد و قصد دارد دین را به قلمروی شخصی محدود کند. عملکرد سکولاریسم در دولت های سکولار معمولاً بین این دو نوع ایده آل متفاوت است. آمریکا، فرانسه و ترکیه سه کشوری هستند که بر اساس قانون اساسی سکولار هستند؛ در حالی که قانون حکومت، هیچ گونه ارجاع خاصی به دین خاصی ندارد. با این حال آنها رویه های متفاوتی به سوی دین دارند. روابط دین رسمی در آمریکا گرایش به سکولاریسم حداقلی را نشان می دهد در حالی که در ترکیه و فرانسه حکومت گرایش به سکولاریسم حداکثری دارد. به عنوان مثال، در آمریکا قابلیت نمایش دین بصورت رسمی در عرصه عمومی وجود دارد که در فرانسه و ترکیه وجود ندارد (Debray, 1992: 21-22). در آمریکا شعاری که در روی همه سکه ها و پولهای چاپی می آید «ما به خدا توکل می کنیم» توسط بچه های مدرسه ای خوانده می شود؛ بسیاری از قسم های رسمی، شامل قسم خوردن رئیس جمهور، به طور عادی شامل این عبارت است که «تا اینکه خدا به من کمک کند» و در این هنگام دست چپ را روی کتاب مقدس می گذارند؛ و جلسه دیوان عالی کشور با این دعا شروع می شود «خدا ایالات متحده و این دادگاه عالی را حفظ نماید».

مثال دیگر این است که این سه حکومت، سیاست متفاوتی در مورد دانش آموزان برای نمایش سمبلهای دینی، مخصوصاً حجاب در مدارس عمومی دارند. حکومت فرانسه معمولاً سکولاریسم حداکثری را بوسیله منع کردن نمایش سمبل های دینی توسط دانش آموزان تنها در مدارس عمومی نشان می دهد. حکومت ترکیه به سکولاریسم حداکثری نزدیکتر است؛ از آنجایی که حجاب را در همه مؤسسات آموزشی، مدرسه یا دانشگاه عمومی یا

خصوصی ممنوع می کند (T. Kuru: 2006: 142). در ترکیه با وجود حاکم بودن سکولاریسم حداکثری، بحث و مجادله ادامه داری بر سر معنا و کارکرد صحیح سکولاریسم وجود دارد. این مجادله را می توان نزاع بین حمایت کنندگان از سکولاریسم حداکثری موجود و حامیان تغییر به سوی سکولاریسم حداقلی نامید. گروه اول را کمالیست ها تشکیل می دهند که شامل حزب جمهوریخواه خلق و ژنرال های ارتش است؛ در حالی که گروه دوم شامل احزاب جناح راستی مانند حزب عدالت و توسعه است. برخی از محققان، در یک نوع طبقه بندی هنجاری، سکولاریسم حداکثری حکومت ترکیه را تحت عنوان «لایسیسم» و دومین نوع را تحت عنوان «سکولاریسم» تعریف می کنند (Davison, 2003: 333-350).

فرایند سکولاریسم در ترکیه

مؤسس جمهوری ترکیه کمال آتاتورک (۱۹۳۸-۱۸۸۱) و همپیمانانش، سکولاریسم را به عنوان رکن اصلی حکومت جدید قرار دادند. آنها اصلاحاتی را نه تنها برای سکولاریزه کردن ساختار حکومت بلکه برای ساختار جامعه اجرا کردند؛ از جمله حذف مدارس مذهبی و منحصر کردن آموزش به مدارس و دانشگاههای حکومتی سکولار. آتاتورک به شدت تحت تأثیر ایده های دوران روشنگری اروپا و پوزیتیویسم کنت بود. سکولارسازی قانون اساسی فرایندی بود که در چند فاز صورت پذیرفت. اولین اقدام مهم در سال ۱۹۲۸ تحقق یافت که در آن تصریح «اسلام به مثابه دین دولت» از قانون اساسی ۱۹۲۴ حذف گردید. البته این اقدام به معنی ستیز با دین تفسیر نمی شد. آتاترک و همفکرانش تلاش کردند تا ضمن کشیدن دین به عرصه خصوصی آن را با فرهنگ ترکی درهم آمیزند. در این راستا، برای نمونه بر استفاده از ترجمه ترکی قرآن و سایر متون دینی تأکید شد (Azarian, 2011: 77). در طول دوره اول حکومت که تک حزبی بود (۱۹۵۰-۱۹۲۳)، حزب جمهوری خواه خلق با تشویق به محدود کردن دین به ضمیر افراد به عنوان یک مسئله شخصی مایل به سکولاریسم قاطعانه بود. در این شرایط دولت هرگونه مراجعه به ارزشها و سمبل های مذهبی را در حوزه های عمومی و سیاسی، همچنین در حیات مدنی- اجتماعی مردود می-

داند و تحت عنوان تبلیغ مذهب، برایشان مجازات تعیین کرده است. با این حال، انتخابات چند حزبی ۱۹۵۰، بحثی را در مورد سکولاریسم باز کرد. حزب حاکم جدید (حزب دموکرات) آزادی‌های دینی بسیاری را در اجتماع ایجاد کرد. برای مثال، ممنوعیت اذان به زبان عربی را در مساجد حذف کرد. از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، گروه‌های اسلام‌گرا از سه دیدگاه عمومی در مورد سکولاریسم دفاع می‌کردند:

۱. دیدگاه لیبرال: طرفداران این دیدگاه قصد لیبرال کردن اعمال حکومت سکولار ترکیه را داشتند. احزاب جناح راست شامل حزب دموکرات (۱۹۶۰-۱۹۴۶)، حزب عدالت (۱۹۸۱-۱۹۶۱)، حزب مام میهن (۱۹۸۳) و حزب راه مستقیم (۱۹۸۳) از این موقعیت دفاع می‌کردند. یکی از این ایدئولوژیست‌ها علی فواد باش گیل (۱۹۶۷-۱۸۹۳) بود، کسی که نماینده حزب عدالت در مجلس و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه استانبول بود. براساس نظر باش گیل، دولت سکولار باید نقش یک عنصر بی طرف را در روابط مذهبی جامعه و حکومت داشته باشد.

۲. دیدگاه زاهدانه: حرکتها و جوامع اسلامی معمولاً گرایش دارند در قبال سکولاریسم سکوت کنند، ترجیح می‌دهند بر خدمات مذهبی تمرکز کنند مانند آموزش قرآن به جوانان و باز کردن خوابگاه‌ها برای دانش‌آموزان؛ آنها در رفتار زاهدانه خویش از سیاست اجتناب می‌کنند. یکی از تأثیرگذاران این گروه، حرکت سعید نوری بود. بدیع الزمان نوری (۱۸۷۶-۱۹۶۰) بنیانگذار حرکت نور و نویسنده مجموعه رسائل نور (تفسیری از قرآن) بر موقعیت زاهدانه تأکید می‌کرد: ۹۹ درصد اسلام در مورد اخلاقیات، پرستش، آخرت و پاکدامنی است. تنها یک درصد در مورد سیاست است. او همچنین اضافه کرد که «من پناه می‌برم به خدا از دست شیطان و سیاست» (مری ولد، ۱۳۸۹: ۵۶).

۳. دیدگاه اسلام‌گرایان: اصلی‌ترین حرکت اسلام‌گراها در ترکیه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ حرکت ملی‌گروش (دیدگاه ملی) بود که با نجم‌الدین اربکان آغاز شد. با وجود دیدگاه اسلامی، اربکان و پیروانش از نقد مستقیم سکولاریسم خودداری می‌کردند. آنها در سال ۱۹۷۰ حزب نظام ملی و در سال ۱۹۷۲ حزب سلامت ملی را تأسیس کردند. هر دو

حزب ضد سکولار بودند و با کودتاهای نظامی در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ منحل شدند. در سال ۱۹۸۳، اربکان حزب رفاه را تأسیس کرد. در انتخابات ملی ۱۹۹۵ حزب رفاه، ۲۱/۴ درصد آرا را بدست آورده و حزب حاکم گردید. اربکان در ۱۹۹۶ میلادی در ائتلاف با «حزب راه مستقیم»، نخست وزیر شد. حزب رفاه، مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بود و به همین سبب، یک سازمان بین المللی در بین هشت کشور مسلمان ایجاد کرد. پیام ها و شعارهای انتخاباتی حزب در سال های ۹۵-۱۹۹۴ بیشتر پیرامون مسائل اجتماعی و اقتصادی، مشکلات زندگی روزمره و فساد نخبگان حاکم بود (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۳۴). با کودتای نرم ۲۸ فوریه ۱۹۹۷، ائتلاف (رفاه-راه مستقیم) ساقط گردید و حزب رفاه توسط دادگاه عالی ترکیه منحل شد. کودتا، برای آموزش ها و اعمال اسلامی در ترکیه خیلی مخرب بود. در آن دوره زمانی ممنوعیت حجاب در دانشگاه ها را به شدت به افراد تحمیل می کردند، مدارس امام خطیب تعطیل شدند و آموزش قرآن به کودکان زیر ۱۲ سال غیر قانونی شد؛ ارتش افراد اسلامی را اخراج کرد. بعلاوه شرکتهای و مؤسسات مالی اسلام گرا با تبعیض های رسمی مواجه شدند. این فشارها، به تغییر دیدگاه گروههای اسلام گرا درباره عضویت در اتحادیه اروپا، دموکراسی، سکولاریسم منجر شد. حزب عدالت و توسعه بازیگر اصلی در این تغییر بود (T. Kuru: 2006:147).

مسلمانان در دولت سکولار

به دلیل قرابت جغرافیایی و تاریخی ترکیه امروز، بسیاری اسلام ترکیه را اسلام اروپایی می دانند. اسلامی غیرسیاسی، سهل و آسان. اسلامی که در حکومت دخالتی ندارد و در عین حال، از حکومت می خواهد آن را محدود نکند. اسلامی که به نوعی توسط حکومت مهار می شود و مورد نظارت دستگاه های دولتی قرار دارد. ترکیه به پشتوانه تاریخی امپراتوری عثمانی، سابقه این نوع اسلام گرایی را دارد. به همین دلیل است که باید گفت یکی دیگر از ویژگی های ساختاری و جامعه شناختی اسلام در ترکیه، طبقه علما و رهبری متمرکز دینی است و این سازمان دیانت است که متولی رهبری امور دینی و مذهبی جامعه مسلمانان ترکیه است. پس از کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷، گروههای اسلام گرا فهمیدند که آزادی دینی

باید اولویت اصلی آنان باشد. سیاستمداران اسلام گرا، نهضت ها و روشنفکران تمایل به دموکراسی و سکولاریسم حداقلی داشتند تا از فشارهای حکومت سکولار (حداکثری) محفوظ بمانند. این نتایج به همگرایی بین سه گروه گفته شده در بالا منجر شد.

طرفداران دیدگاه زاهدانه و سیاستمداران اسلام گرا تصمیم به حمایت از سکولاریسم لیبرال گرفتند- آنچه ما آن را سکولاریسم حداقلی می نامیم. علی بولاچ، که می توان وی را یکی از رهبران فکری حزب عدالت و توسعه دانست، در کتاب مفاهیم و نظم های مدرن که در دهه ۱۹۸۰ میلادی چاپ کرد آزادی، دموکراسی و پیشرفت را مفاهیمی عاریتی از غرب دانست که در جوامع اسلامی جایگاهی ندارند و بیگانه محسوب می شوند. به گمان بولاچ، اساس دموکراسی مدرن نوعی شبه کثرت گرایی (پلورالیسم) سیاسی است. اما این کثرت گرایی پهنه هایی چون باورهای دینی یا فرهنگ ها را در نظر ندارد. وی بر آن است که رهیافت اسلام به دولت گذر از شبه کثرت گرایی دولت مدرن به کثرت گرایی واقعی اسلام را امکان پذیر می سازد. بنابراین باید از راه مذاکره به قرارداد اجتماعی تازه ای برسیم که کثرت گرایی را به عنوان یگانه عامل زیست مشترک عادلانه انسان ها تأمین کند (Bulac, 2001: 11-65). به این ترتیب در دوران جدید مخالفت اسلام گرایان لیبرال با سکولارها و کمالیست ها نه در قالب تأکید بر اسلام گرایی و ظواهر اسلامی بلکه در قالب حقوق بشر، تکثرگرایی، دموکراسی و حاکمیت قانون صورت می گیرد. این روشنفکران و سیاستمداران اسلام گرای لیبرال برخلاف دهه ۱۹۸۰ از موضع دفاعی برون آمده و از موضع تهاجمی، سکولارها را به دلیل عمل نکردن به وعده های خود در مورد برقراری لیبرال- دموکراسی مورد انتقاد قرار می دهند.

در امتداد همان خط، حرکت تأثیرگذار گولن پا به عرصه اجتماعی ترکیه گذاشت. این حرکت که توسط فتح ا... گولن آغاز شد، از اواسط دهه ۱۹۹۰ تلاش کرد تا یک شبکه گسترده از برخی اعضای سکولار دانشگاه ها، محافل تجاری، هنرمندان محبوب، روزنامه- نگاران و رهبران مذهب علوی زیر چتر آرمان هایی همچون «گفت و گو»، «مدارا»، «دموکراسی»، «آزادی» و «تربیت آناتولی» تشکیل دهد. تربیت آناتولی که به تربیت

آبانت مشهور شده است، هر ساله کارگاه های آموزشی درباره مشکلات جامعه ترکیه و چشم اندازهایی برای آینده برگزار می کند. اولین کارگاه در سال ۱۹۹۸ میلادی به اسلام و سکولاریسم اختصاص یافت. شرکت کنندگان شامل برخی از سرشناس ترین دین شناسان و روشنفکران اسلامی در ترکیه بودند؛ به مدت سه روز، گروه تقریباً ۵۰ نفره ای از اندیشمندان، مفهوم دولت سکولار و سازگاری آن با اسلام را به بحث گذاشتند. شرکت کنندگان اشاره کردند دولت «نهادی است که هیچ تقدس متافیزیکی یا سیاسی ندارد» و اسلام هیچ مشکلی با چنین هویت های سیاسی ندارد تا زمانی که آنها به حقوق و آزادی ها احترام می گذارند. به این ترتیب «گردهمایی آبانت» سازگاری اسلام با یک دولت سکولار بر اساس دموکراسی لیبرال را اعلام کرد. (T.Kuru: 2006: 150).

در سال ۲۰۰۰ سه رهبر از نسل جوان حرکت دیدگاه ملی- اردوغان، گل و آرئچ- بر ایدئولوژی دموکراتیک و سکولارگرایانه تأکید کردند. به دنبال بسته شدن حزب رفاه، نیروهای پارلمانی این حزب، حزب فضیلت را تأسیس کردند. با وجود گرایش به عضویت در اتحادیه اروپا، دادگاه عالی این حزب را در سال ۲۰۰۱ منحل کرد، با این استدلال که حزب فضیلت، از آزادی داشتن حجاب دفاع می کند و به همین دلیل ضد سکولار است. این مساله اختلاف بین بزرگان حرکت دیدگاه ملی به رهبری اربکان و نسل جوان به رهبری اردوغان را عمیق تر کرد. بدین ترتیب، نیروهای سنتی حزب سعادت را تأسیس کردند، در حالی که نسل جوان، حزب عدالت و توسعه را ایجاد نمودند. حزب سعادت بازگشتی دوباره به سوی سخن گفتن از مخالفت با اتحادیه اروپا داشت در حالیکه عدالت و توسعه یک گام فراتر برای دفاع از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا برداشت؛ یعنی حمایت از دموکراسی و سکولاریسم. در انتخابات ۳ نوامبر ۲۰۰۲، حزب سعادت با ۲/۵ درصد آرا به حاشیه رانده شد در حالیکه حزب عدالت و توسعه با ۳۴ درصد آرا حزب حاکم گردید. حزب عدالت و توسعه سکولاریسم را به عنوان ضمانتی برای آزادی دین نشان می دهد و تفسیر و تحریف سکولاریسم را به عنوان دشمن دین رد می کند. حزب عدالت و توسعه، سکولاریسم کمالیست ها را مستبدانه می خواند زیرا مانع از حضور آزاد دین در قلمرو عمومی می شود؛

سکولاریسم این حزب مدعی بی طرفی است و بر آن است که دولت باید فاصله خود با همه ادیان را به طور مساوی حفظ کند (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۶۳).

سکولاریسم حداقلی و سکولاریسم حداکثری از منظر حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه و دیگر احزاب جناح راستی، که ۷۰ درصد آرا را نمایندگی می‌کنند، در مجموع حمایت ترک های متمایل به سکولاریسم حداقلی را دارند. اردوغان در مورد سکولاریسم به طور مکرر بر «حکومت بی طرف در مقابل تمام ادیان و عقاید» تأکید می‌کند. از نگاه وی، سکولاریسم لازمه دموکراسی است اما نباید حدود آن را تعیین کند. تلقی اردوغان از سکولاریسم تا حد زیادی به نظر سلیمان دمیرل شبیه است که معتقد بود نباید سکولاریسم را دشمن دین به حساب آورد: «حکومت می‌تواند سکولار باشد اما افراد می‌توانند نباشند» (T.Kuru, 2006: 152). اردوغان می‌گوید: «من قبل از هر چیز یک مسلمانم و به عنوان یک مسلمان می‌کوشم تا با الزامات دین سازگار باشم. من در برابر خداوندی که مرا آفریده مسئول هستم و سعی در ادای این مسئولیت دارم. در حال حاضر نیز سخت می‌کوشم تا دین را به عنوان امری خصوصی در زندگی سیاسی خود دخالت ندهم. یک حزب سیاسی نمی‌تواند دین دار باشد. دین به افراد تعلق دارد. در غیر این صورت از آن سوء استفاده خواهد شد و دین والاتر از آن است که مورد سوء استفاده یا بهره برداری قرار بگیرد» (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

اردوغان یکی دیگر از نظریه پردازان حزب عدالت و توسعه، استدلال می‌کند که به منظور محافظت از آزادی های دینی در ترکیه، سکولاریسم باید از چشم اندازی دموکراتیک مورد بازتعریف قرار بگیرد. به نظر او تعریف محدودی از سکولاریسم، آنطور که توسط کمالیست ها صورت می‌گیرد، می‌تواند به نوعی ایدئولوژی انحصارگرا، تمامیت خواه و ژاکوبینی تبدیل شده و به مناقشات اجتماعی دامن بزند. در نتیجه وی مدل آمریکایی سکولاریسم را به دلیل فقدان تعریف ایدئولوژیک و تأکید روی آزادیهای مذهبی بر تعریف موجود در ترکیه ترجیح می‌دهد (Akdogan, 2003: 105-132). اردوغان و بسیاری از سیاستمداران حزب عدالت و توسعه بدین ترتیب، به قصد انتقاد از قرائت ترک، به وجه

آمریکایی سکولاریسم می پردازند. اعضای پارلمان عضو حزب عدالت و توسعه تأکید دارند که علاقه مند به وارد کردن مدل آمریکایی سکولاریسم نبودند. آنها خواستار تقلید از مدل آمریکایی بر اساس محتوی آن بودند- مخصوصاً حضور یک حکومت ایدئولوژیک و تأکید بر آزادی دینی- نه ساختارش. دموکرات های محافظه کار ترک، سکولاریسم آنگلو ساکسون و دموکراسی دین مدار مالزی را الگوهای نظری و عملی خود می دانند (H.Somun: 2012). دلیل اصلی که آنها تمایل به دریافت کامل مدل آمریکایی نداشتند، دیدگاه یکنواخت آنها در مورد مناسبات دین رسمی، مخصوصاً درباره مقام سازمان امور دیانت بود. این سیاستمداران ادعا می کنند که هماهنگی حکومتی در خدمات دینی از طریق سازمان دیانت برای حفظ خدمات اسلامی و اجتناب از اغتشاش ضروری است.

مقایسه سکولاریسم حداقلی و حداکثری در ترکیه و فرانسه

الف) مسئله حجاب

مسئله حجاب در ترکیه به یک نزاع بزرگ در دهه ۱۹۸۰ تبدیل شده بود. سکولارها حجاب را تهدیدی علیه اصول جمهوری می دانستند. براساس سیاست های حکومت، زنان در صورت استفاده از روسری اجازه ورود به دانشگاهها و سایر اماکن دولتی را نداشتند. دانش آموزانی که روسری می پوشیدند توسط شورای آموزش عالی از دانشگاه ها اخراج می شدند. بر اساس یک بررسی، طرفداران ممنوعیت حجاب در دانشگاه ها فقط ۱۶ درصد جمعیت را تشکیل می دهند در حالی که ۷۶ درصد مخالف ممنوعیت هستند(مقایسه با فرانسه این موقعیت را مشخص می کند. در فرانسه ۶۹ درصد جمعیت از ممنوعیت حجاب در مدارس عمومی حمایت می کنند در حالی که فقط ۲۹ درصد مخالف آن هستند (T.Kuru, 2006: 159). این حمایت عمومی، سیاستهای سکولاریسم حداکثری را در مقابل سمبلهای دینی در فرانسه تثبیت می کند. دلایل این تفاوت بین دو کشور سه چیز است: اول، در فرانسه حجاب اسلامی سمبلی از اقلیت مهاجر مذهبی است و ممنوعیت آن با افزایش دیدگاه های ضد مهاجران مرتبط است. با این حال در ترکیه اسلام دین قریب به اتفاق اکثریت جامعه است. بعلاوه، در ترکیه ۶۴ درصد زنان مقداری حجاب دارند. دوم،

ممنوعیت در فرانسه فقط به مدارس عمومی محدود می شود در حالی که این محدودیت در ترکیه به همه مؤسسات آموزشی می رسد. و سوم، سطح دینداری در فرانسه و ترکیه همانطور که در جدول آمده متفاوت است:

جدول شماره ۱: سطح دینداری در جوامع فرانسه و ترکیه

اعتقاد به خدا(درصد)	وابستگی به یک دین (درصد)	مشارکت دینی یکبار در هفته (درصد)	
۶۰	۵۵	۱۰	فرانسه
۹۷	۹۷	۷۰	ترکیه

ممنوعیت سمبل های دینی در مدارس عمومی قابل درک و حتی در جامعه کمتر مذهبی فرانسه مطلوب است. جامعه ترکیه برعکس خیلی مذهبی است. خیلی سخت است که دین را به محدوده شخصی محدود کنند و در چنین جامعه مذهبی اجازه بدهند یک جهان بینی کاملا سکولار، حاکم بر قلمروی عمومی باشد. بطور مختصر و مفید، یک سازگاری نسبی بین دینداری کم جامعه فرانسه و سکولاریسم حداکثری حاکم بر آن وجود دارد؛ در حالی که دینداری زیاد در جامعه ترکیه با سیاست هایی که تلاش می کند از حضور دین در قلمروی عمومی ممانعت کند در تناقض است.

ب) مدارس امام - خطیب

مدارس امام-خطیب، در چهارچوب ماده ۴ قانون شماره ۴۳۰ وحدت آموزش و ماده ۳۲ قانون شماره ۱۷۳۹ آموزش ملی، بدوا توسط حکومت به منظور تربیت امامان مساجد پایه گذاری شد (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۶۱). سکولارهای ستیزه جو نگران این مدارس بودند، زیرا نخبگان اسلام گرا را تربیت می کردند. پس از کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ میلادی، سکولارها دوسیاست را برای به حاشیه راندن این مدارس دنبال کردند: اول اجرای سیاست آموزش ۸ ساله که آموزش اجباری را از ۵ سال به ۸ سال افزایش می دهد. با اجرای این سیاست، پایه های ششم، هفتم و هشتم این مدارس بسته می شد، و علاوه بر آن تمام مدارس فنی و

مدارسی که زبان خارجی را آموزش می دادند، بسته می شدند. دوم، از طریق بازبینی سیستم ورود به دانشگاه، که تقریباً برای فارغ التحصیلان این مدارس ورود به دانشگاه را امکان ناپذیر می کرد، به جز ورود به دانشکده الهیات. هنگامی که کودتای ۲۸ فوریه رخ داد، در سال تحصیلی ۱۹۹۷-۱۹۹۶ مدارس امام-خطیب با ۵۱۱۵۰۲ دانش آموز، بیشترین تعداد دانش آموز را داشت (نورالدین، ۱۳۸۳: ۲۲۱). در ماه مه سال ۲۰۰۴، دولت حزب عدالت و توسعه به منظور لغو محدودیت های تحصیلی کودتای نظامی ۱۹۹۷ و به قصد بهبود و ارتقای جایگاه مدارس امام-خطیب، از طریق گشودن راه فارغ التحصیلان آن به دانشگاه، قانونی در پارلمان تصویب کرد که واکنش شدیدی را میان سکولارهای ستیزه جو ایجاد کرد. تنها حامی حزب عدالت و توسعه دیگر حزب جناح راستی یعنی حزب راه راست بود. «رئیس جمهور سزر» با بیان تفسیرش درباره سکولاریسم حداکثری این قانون را وتو کرد. او استدلال کرد که اجازه دادن به فارغ التحصیلان مدارس امام-خطیب برای ورود به دانشگاهها این اصل سکولاریسم «جدایی قلمروی زندگی اجتماعی، آموزش، خانواده، اقتصاد و قانون از قوانین دینی» را نقض می کند. تنها پیروزی حزب عدالت و توسعه این بود که در سال ۲۰۰۸ آزمون فرهنگ دینی به امتحان ورودی دبیرستان افزوده شد (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۶۸).

اتحادیه اروپا و وجه آمریکایی سکولاریسم از منظر حزب عدالت و توسعه ترکیه

همانندی فرهنگی و سیاسی با بدنه اجتماع، کاپیتالیسم، جهانی شدن و اشتیاق ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا از مسائل تعیین کننده برای کمک به «حزب عدالت و توسعه» بود که در سال ۲۰۰۲ به قدرت برسد (عطایی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، اعلام کرد که ترکیه در یک شرایط منحصر به فرد برای پیوند و ایجاد سازش بین اسلام، دموکراسی و سکولاریسم قرار دارد. اردوغان و اطرافیان وی به این نتیجه رسیدند که لازمه دموکراتیزاسیون و نهادینه سازی حقوق بشر کسب حمایت کامل بین المللی، به خصوص از سوی اتحادیه اروپایی است. شرط تداوم این حمایت نیز، استمرار سکولاریسم و حکومت دموکراتیک در ترکیه بوده است. موضع اتحادیه اروپایی که

بهره گیری از اسلام در سیاست یا هرگونه اعمال شریعت را برنمی تابد، اسلام گرایان ترک را واداشته تا زبان سکولار را برگزینند.

تفسیر حزب عدالت و توسعه شباهت فراوان با نظر رابرت آودی دارد که یک حکومت سکولار را بر مبنای اصولی سه گانه تعریف می کند. نخست، اصل «رواداری» است که اشاره می نماید که دولت مسئولیت دارد تا از آزادی دینی شهروندان خود حفاظت کند. دوم، اصل «فاصله برابر» یعنی انتظار از حکومت این است که با همه ادیان فاصله برابری تنظیم کند؛ و سوم، اصل «بی طرفی» یعنی اینکه حکومت نباید در امور دینی دخالت کند و نیز نباید حامی هیچ دینی باشد (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۶۰). همزیستی این حزب با سکولارهای ستیزه جو، به قرائت آنها از مفهوم سکولاریسم، که در بالا ذکر آن رفت، باز می گردد. قرائتی روادار از سکولاریسم، بدون اینکه درصدد حذف نهادها و هنجارهای دینی از سپهر عمومی باشد، با دیدگاههای متنوع دینی سازگار و همساز است و از سوی دیگر سکولاریسم شکلیا از ارزشهای دینی برای قوام نظم اجتماعی و سیاسی موجود بهره می گیرد و در پی حذف هیچ قرائتی، چه دینی و چه غیر دینی، از آن نیست. سیاستمداران حزب عدالت و توسعه به این ترتیب، به قصد انتقاد از قرائت ترک (مهار دین)، به وجه آمریکایی سکولاریسم می پردازند. قرائتی که دغدغه آزاد سازی دین از قید حکومت را دارد.

نتیجه گیری

در این مقاله از گونه شناسی سکولاریسم حداکثری و حداقلی برای تحلیل تحول روابط دین - دولت در ترکیه استفاده کردیم. نظام سیاسی ترکیه گرایش به سکولاریسم حداکثری دارد. با این حال هنوز بحث میان طرفداران سکولاریسم حداکثری و حداقلی وجود دارد. این بحث ادامه خواهد داشت، زیرا به ناسازگاری بین عملکرد سکولارهای های ستیزه جو و دینداری زیاد جامعه ترکیه بستگی دارد. تا زمانی که تغییری از سکولاریسم حداکثری به سوی سکولاریسم حداقلی رخ ندهد یا تا هنگامی که یک انحطاط در دینداری جامعه ترکیه به وجود نیاید این مجادله پایان نمی یابد. این تحلیل، جدایی و نزاع بین بازیگران دولتی در

ترکیه، به خصوص در مسئله سکولاریسم را نشان داد. به طور تاریخی دو نفر از سه روسای جمهور ترکیه (سزر و اورن) به سکولاریسم حداکثری اعتقاد داشتند، در حالی که سومی (اوزال) به سکولاریسم حداقلی اعتقاد داشت. به طور مشابه، احزاب سیاسی (حزب عدالت و توسعه و حزب جمهوری خواه خلق) برداشت متفاوتی در مورد سکولاریسم داشتند که به طور ایدئولوژیک هم از آنچه در دولت وجود داشت و هم مخالف آن بود دفاع می کردند. بعلاوه اعضای دادگاه عالی استیناف و مجلس در سه تصمیم مهم مرتبط به سکولاریسم، شدیداً دو قطبی شدند. در حال حاضر، به سبب دیدگاه تک سویه و مقاومت کمالیستها، حزب عدالت و توسعه در اصلاح سکولاریسم ترکیه موفق نبوده است. تنها مورد استثنا، بهبود حقوق دینی جوامع غیر مسلمان مانند احداث کلیساهای جدید و لغو نظارت دولت بر غیر مسلمانان است. از آنجایی که این اصلاحات برای پذیرش ترکیه توسط اتحادیه اروپا لازم است و بنابراین توسط بخشی از سکولارهای ستیزه جو حمایت می شد، حزب عدالت و توسعه توانست آن را انجام دهد. سیاستمداران حزب عدالت و توسعه امیدوار بودند تغییر در سکولاریسم ترکیه که توسط هیئت مؤسسان آن انتظار می رفت، از طریق عضویت در اتحادیه اروپا رخ دهد. با این وجود گزارش اتحادیه اروپا در مورد آزادی دینی در ترکیه و تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد حجاب نشان داد که اتحادیه اروپا نقش مستقیمی در تغییر سکولاریسم حداکثری در ترکیه ندارد. حزب عدالت و توسعه به هم پیمانی از سایر احزاب نیاز دارد تا نقش فعالی در تغییر شکل سکولاریسم ترکیه داشته باشد. هرچه که حزب عدالت و توسعه تمایل بیشتری به سکولاریسم حداقلی داشته باشد، بیشتر می تواند هم پیمانی از جناح چپ و لیبرال برای تفسیر مجدد سکولاریسم در ترکیه پیدا کند. حزب عدالت و توسعه سنت احزاب راست گرا برای دفاع از گرایش ترکیه به سوی سکولاریسم حداقلی را قبول کرده است.

منابع:

- انتخابی، نادر. (۱۳۹۲). دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: نشر هرمس.
- ساعی، علی. (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)، تهران: سمت.
- قهرمانپور، رحمان. (۱۳۸۹). دولت و جهانی شدن در خاورمیانه، تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- منوچهری، عباس و دیگران. (۱۳۸۷). رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
- موثقی، سید احمد. (۱۳۸۹). جنبش های اسلامی معاصر، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- نورالدین، محمد. (۱۳۸۳). ترکیه جمهوری سرگردان، ترجمه سید حسین موسوی، تهران: مرکز پژوهشهای خاورمیانه.
- ولد، مری (۱۳۸۹). اسلام در ترکیه (زندگی نامه یک روشنفکر: بدیع الزمان سعید نوری)، ترجمه فرزاد صیفی کاران، تهران: نشر احسان.
- یاووز، هاکان. (۱۳۸۹). سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمدعزیزی، تهران: نشرنی.
- خیرخواهان، جعفر. (۱۳۹۰). «ببرهای آناتولی؛ همزیستی اسلام ترکی بانظام بازار آزاد: موردکاوی جنبش فتح‌الله گولن»، مجله چشم انداز ایران، شماره ۶۷.
- عطایی، فرهاد. (۱۳۷۸). «نگرشی جدید در سیاست منطقه ای ترکیه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۹.
- Akdogan, Y. (2003), **Muhafazakari Demokrasi**, Ankara , Alfa Basim Yayin.
- Bulac, Ali. (2001), **Religion, State, and Democracy**, Istanbul: Zaman Kitap.-
- Debray, Regis. (1992), **Contretemps: In praise of lost ideals**, Paris: Gallimard.
- Arince, B. (2003), **Vatan Daily**, September 29.
- Azarian, Reza. (2011), “Nationalism in Turkey: Response to a Historical Necessity”, **International Journal of Humanities and Social Science**, September 2011, Vol. 1, No. 12, pp.72-82.

-
- H. Somun, (14 February 2012), "Malaysia as a Model for Turkey or Both a Model for Other Countries", **Sunday Zaman**.
 - T. Kuru, Ahmet. (2006), "Reinterpretation of Secularism in Turkey: The Case of the Justice and Development Party", published in the **Emergence of a New Turkey: Democracy and the AK Party**. Salt Lake City: University of Utah Press.
 - "Erdogan's daughters studding in us to escape headcraft ban", **The Journal of Turkish Weekly**, 20 Oct 2004.